

Archaeological Evidence of Scythians Presence in Roudbar of Gilan Province in Iran

Shahin Aryamanesh*

Seyyed Mehdi Mousavi**

Abstract

Scythians were one of the nomadic tribes that after many displacements in the first millennium BC moved into parts of the present-day Iran (Persia). Historical texts such as those of Herodotus and Strabo and also the inscriptions of Assyrian kings all indicate the presence of Scythians in north-west of Iran. Herodotus has mentioned in his writings that when Scythian headed toward the south, they reached the Caucasus through Derbent. Scythian after passing the Caucasus, they met the Assyrians and had a battle (678 BC) and the Assyrians were victorious. One of the valuable excavations that led to finding human burial along with horses was the explorations of Ali Hakemi in Kaluraz and Jouban area of Roudbar city in Gilan Province carried out from 1965 to 1968. Unfortunately completely reports of Archaeological excavations in Roudbar not published at that time, however after 50 years that reports published, so in this paper, the authors deals with the burials that have been undertaken in these sites and the graves that were found there. Comparing and contrasting the findings of this area with Scythians burial styles mentioned in the historical writings as well as the archaeological findings of the original Scythian sites, the researcher explains about the presence of Scythians in northern Iran.

Keywords: Kaluraz, Jouban, Scythians, Scythian Burial, Horse Burial

* Phd of Archaeology, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tissaphernes Archaeological Research Group (Corresponding Author), Tehran, Iran, Sh.Aryamanesh@ihcs.ac.ir

** Associate professor of Archaeology, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran, m_mousavi@modares.ac.ir

Date received: 25/7/2020, Date of acceptance: 17/1/2020



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم پیش از میلاد براساس شواهد باستان‌شناختی و منابع تاریخی

شاهین آریامش*

سیدمهدی موسوی**

چکیده

سکاها تیره‌ای بودند که دسته‌ای از آنان پس از جابه‌جایی‌های بسیار در هزاره نخست پیش از میلاد به بخش‌هایی از شمال غرب ایران وارد شدند و در این پهنه به زندگی پرداختند. کتیبه‌های باستانی همچون کتیبه اسرحدون و متن‌های تاریخی همچون تاریخ هرودوت به سکایان اشاره کرده است. در سالیان اخیر با یافت شدن خاکسپاری‌ها و گورآوندهای سکایی پرتوی نو بر تیره سکایی در ایران افکنده شده است و تأییدی بر نوشته‌های مورخان است که در هزاره یکم پیش از میلاد این تیره در شمال غرب ایران پدیدار شده بودند. یکی از محوطه‌هایی که خاکسپاری انسان همراه با اسب در آن وجود دارد محوطه کلورز و جوبن در رودبار گیلان است. پرسش این پژوهش چنین است که چه پیوندی میان یافته‌های محوطه‌های کلورز و جوبن با تیره سکایی وجود دارد؟ فرضیه پژوهش این است که باتوجه به اینکه الگوهای خاکسپاری را می‌توان در زمینه مطالعه تمایزات قومی و روابط خویشاوندی و نیز باورهای آیینی استفاده کرد، خاکسپاری‌های یافت شده همراه با گورآوندهای آنها در محوطه‌های کلورز و جوبن را می‌توان به تیره سکایی منسوب کرد. این پژوهش بر اساس هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی و ماهیت و روش آن از نوع پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی به شیوه توصیفی و تحلیلی است. نگارندگان در این مقاله به خاکسپاری‌های انجام شده در این محوطه‌ها و گورآوندهای

* دکترای باستان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن (نویسنده مسئول)، تهران، ایران، Aryamansh.shahin@gmail.com

** دانشیار باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، m_mousavi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷



یافت شده از آنها می‌پردازد و در ادامه با همسنجی آنها با شیوه خاکسپاری سکایان به تبیین و تحلیل جایگاه سکاها در شمال ایران می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: سکایان، خاکسپاری سکایی، خاکسپاری اسب، کلورز، جوین.

۱. مقدمه

حضور سکایان در بخش‌هایی از ایران در میانه‌های هزاره یکم پیش از میلاد در متن‌های تاریخی همچون تاریخ هرودوت آمده است (Herodotus, Book 4: 1). باستان‌شناسان چندی در تلاش بوده‌اند تا حضور سکایان را در ایران بر پایه متن‌های تاریخی و همسنجی آن با یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناسی در برخی از محوطه‌های باستانی تطبیق دهند. از محوطه‌های ارزنده که خاکسپاری انسان همراه با اسب در آن هست محوطه کلورز و جوین در رودبار گیلان است که در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ کاوش شده است.

پرسش این پژوهش چنین است که چه پیوندی میان یافته‌های محوطه‌های کلورز و جوین با تیره سکایی وجود دارد؟ فرضیه پژوهش این است که باتوجه به اینکه الگوهای خاکسپاری را می‌توان در زمینه مطالعه تمایزات قومی و روابط خویشاوندی و نیز باورهای آیینی استفاده کرد، خاکسپاری‌های انسانی یافت‌شده همراه با گورآوندهای آنها در محوطه‌های کلورز و جوین حاکی از سکایی بودن آنهاست.

این پژوهش بر اساس هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی است و ماهیت و روش آن از نوع پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی به شیوه توصیفی و تحلیلی است. در گام نخست روش و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. ابزار گردآوری اطلاعات در این روش به صورت فیش‌برداری است. در ادامه به یافته‌های باستان‌شناسی پرداخته می‌شود که این اطلاعات به صورت مشاهده، فیش‌برداری، تهیه عکس و طرح از یافته‌های باستانی است.

پژوهش‌های سکاشناسی در ایران چندان پر دامنه نبوده است که در میان پژوهش‌های باستان‌شناسی می‌توان به یافته‌های چندی اشاره کرد که از محوطه‌های باستانی همچون حسنلو در جنوب دریاچه ارومیه (Dyson, 1964: 372, fig. 3)، زیویه در کردستان (Godard, 1975)، تپه باباجان لرستان (Goff, 1978: 56)، تپه گیان نهاوند (Contenau & Ghirshman, 1935: pl. V/6-pl. 8/3/11, fig. 14, N 23) به دست آمده است که پژوهشگران بر این باورند اشیایی که در این محوطه‌ها یافت شده به

بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم ... (شاهین آریامنش و سیدمهدی موسوی) ۵

سبک سکایی ساخته شده است. یافته‌های مطمئن‌تر از حضور سکاها در ایران مربوط به محوطه خرم‌آباد مشکین‌شهر است که هنگام کاوش در این محوطه در سال ۱۳۹۱ افزون بر گورآوندهای سفالین و سیمین و مفرغین، خاکسپاری‌های انسانی همراه با اسب یافت شد که از ویژگی‌های فرهنگی بسیار ارزنده سکاهاست (بنگرید به رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳؛ رضالو و آیرملو، ۱۳۹۴).

در پژوهش‌های تاریخی نیز کم‌وبیش از سکاها سخن به میان آمده است اما پژوهشی که به‌طور بسیار محدود به سکاها پرداخته است پژوهش ویلم فاگل‌سانگ با نام *The Rise and Scythians of Warriors of Ancient Siberia* است که بر تیره سکایی و گسترش آنان در ایران می‌پردازد. کتاب *Organization of Achaemenid Empire, The Eastern Iranian Evidence* از پژوهش‌های جدیدی است که به یافته‌های سکایی در قلمرو سکایان پرداخته است (Simpson and Pankova, 2017). همچنین کتاب *Scythians Nomad Warriors of the Steppe* نوشته بری کان‌لایف اثری است که در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است و به این تیره و یافته‌های باستان‌شناسی آنان می‌پردازد (Cunliffe, 2019). باین حال تمرکز این دو کتاب بر آثار سکایی فرارودان و قفقاز و اروپاست و فقط برگ‌هایی چند به سکایان در ایران اختصاص یافته است که آنها نیز مطلب جدیدی نیست. براساس آنچه گفته شد در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با بررسی یافته‌های باستان‌شناختی از محوطه‌های کلورز و جوین در رودبار گیلان و همسنجی آنها با یافته‌های سکایی دیگر که تاکنون به صورت جامع به آنها پرداخته نشده حضور سکایان در رودبار گیلان تبیین شود.

۲. تیره سکایی

تیره سکایی را تیره‌ای از مردمان آریایی دانسته‌اند که در قلمرو گسترده‌ای از کرانه‌های شمالی دریای سیاه در غرب تا مرزهای شمالی چین در شرق زندگی می‌کردند. آنان از ترکستان و سیبری غربی رو به سوی جنوب حرکت کرده و در روسیه جنوبی ساکن شدند (گروسه، ۱۳۸۷: ۳۳ و ۳۴). این تیره در زبان فارسی باستان Saka- (رضائی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۶)، در زبان آشوری ایشکوزا (Ishkuza)، در زبان هندی چاکا (Chaka)، در زبان چینی سای (Sai) (Bailey, 2009: 67) و در زبان یونانی اسکوت‌ها (Σκυθης) (گروسه، ۱۳۶۵: ۳۳) نامیده می‌شدند.

اگرچه بیلی بر این باور است که سکاها هنگام مهاجرت، سه دسته اصلی داشتند (Bailey 67: 2009)، سنگ‌نشته هخامنشی بیستون، از چهار دسته سکا نام می‌برد. سکا‌های پَرَدَرایه (paradraya) یا سکا‌های آن سوی دریا، سکا‌های تیزخود یا تیگره‌خوده (tigraxaudā)، سکا‌های هوم‌نوش یا هئومه ورگا (haumavargā) و سکا‌های پرسوگدم (para Sugdam) یا آن سوی سغد نام می‌برد. سکا‌های آن سوی دریا سکا‌های غربی بودند و باقی در شرق دریای کاسپی می‌زیستند (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۷).

پدیدار شدن تیره سکا‌یی در شمال غرب ایران برپایه کتیبه‌های به‌جامانده از شاهان آشوری و نیز نوشته‌های هرودوت است. اسرحدون (Esarhaddon) پادشاه آشوری در کتیبه‌هایش برای نخستین بار به این تیره اشاره می‌کند و از تاختن ایشپاکای (Ishpakai) شاه سکاها به آشور سخن می‌گوید (Luckenbill, 1927 516-546). پس از ایشپاکای، پَرَتَوَا (Partatava) شاه سکاها شد و با تدبیر به اسرحدون آشوری نزدیک شد. این نزدیکی باعث شد که سکاها با چراغ سبز آشوریان در حدود ۶۳۸ پیش‌ازمیلاد به پونت بتازند و واپسین بازماندگان یمریان را سرکوب کنند (گروسه، ۱۳۸۷: ۳۸). هرودوت نیز در کتاب چهارم خود چنین گفته است هنگامی که سکاها رو به سوی جنوب آوردند از راه دربند به قفقاز رسیدند (Herodotus, Book 4: 12).

براساس روایت‌های کلاسیک در کشمکش‌های سیاسی و نبردهای نظامی تیره‌های گوناگون در میانه‌های هزاره اول پیش‌ازمیلاد، فرورتیش پادشاه مادی به آشور اعلان جنگ داد. برای این کار ابتدا پارس‌ها را تحت انقیاد خود درآورد و سپس با جلب یاری خداوندان پیشین‌ده دو ایالت مجاور خود قیامی را علیه آشور ترتیب داد. قیام به سرعت گسترش یافت و آشوریان قست اعظم سرزمین ماد را که در تصرف خود داشتند، از دست دادند. رایزنی‌های آشوریان با سکاها که متحد مادها در این قیام بودند، باعث خروج سکاها از اتحاد با مادها به نفع آشوریان شدند بنابراین جریان قیام ناتمام ماند (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۲۴۷). با این حال فرورتیش توانست مهم‌ترین نواحی ماد را از زیر دست آشور نجات دهد و در سه ایالت بیت کاری (Bēt-Kari)، مادای (Madai) و ساپاردا (Saparda) دولت واحدی تأسیس کند و پادشاهی مستقل ماد را برپا کند (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۲۵۲-۲۵۳). دگربار فرورتیش در سال ۶۵۳ پیش‌ازمیلاد به آشور تاخت (Randa, 1954: 278) اما در نبرد میان مادها و آشوریان، مادیس پسر پَرَتَوَا که شاه سکاها شده بود به یاری آشوریان آمد و به قلمرو ماد تاخت و فرورتیش را سرنگون کرد (گروسه، ۱۳۸۷: ۳۸). چنانکه هرودوت

بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم ... (شاهین آریامنش و سیدمهدی موسوی) ۷

می گوید مادیس پادشاه سکایی ۲۸ سال به فرمانروایی پرداخت (Herodotus, Book 4: 1) که سرانجام هووخستره پادشاه مادی، شاه سکاها یعنی مادیس را همراه با سرکردگانش به مهمانی فراخواند، همه را مست کرد و کشت (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۲۶۶). پیتون هلم در مقاله‌ای با عنوان Herodotus' Medikos Logos And Median History با شک و تردید به این بازسازی‌های تاریخی پرداخته است (Helm, 1981)، همچنین فاگل سانگ بر این باور است که درآمدن سکاها به ایران نه از راه قفقاز بلکه از راه شمال شرقی ایران بوده است (Vogelsang, 1992: 81) با این حال پژوهش‌های تاریخی بیانگر حضور سکایان در هزاره یکم پم در ایران است.

خاکسپاری تیره سکایی از آیین‌های ویژه‌ای بوده است که در نوشته‌های تاریخی بازتاب یافته است. هرودوت چنین بیان کرده است که هنگام خاکسپاری پادشاه، اسب، خدمتکار و هم‌خوابه وی را قربانی می‌کردند و همراه با جام‌های زرین وی به خاک می‌سپردند (Herodotus, Book 4: 71).

۳. خاکسپاری‌های کلورز

رستم‌آباد کلورز در فاصله سه کیلومتری غرب جاده تهران-رشت است. کلورز از رشت ۵۴ و از رودبار ۱۲ کیلومتر فاصله دارد. علی حاکمی به مدت سه فصل در سال‌های ۱۳۴۴، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷ در روستای کلورز به بررسی و کاوش باستان‌شناسی پرداخت. در شماری از این گورها، خاکسپاری انسان همراه با اسب و یا خاکسپاری اسب دیده می‌شد که در گورها نیز شمار چشم‌گیری گورآوندهای مفرغی همچون زین و سینه‌بند و پیشانی‌بند و تزئینات سربند و دهانه اسب یافت شد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به حاکمی، ۱۳۹۶). در ادامه این یافته‌ها بازگو می‌شود.

- گور ۱

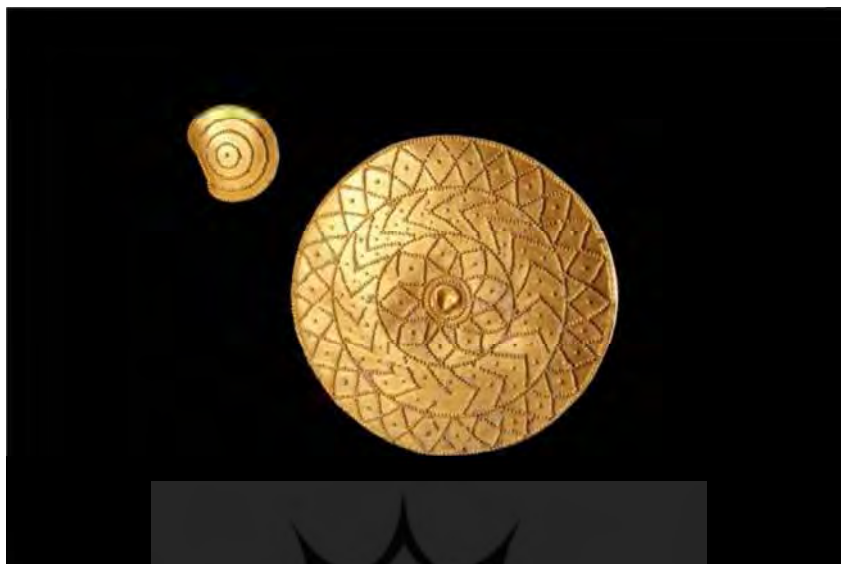
فهرست یافته‌های ترانسه ۹ از گنج‌پر کلورز در سال ۱۳۴۴ نشان می‌دهد که از گور اسب، شمشیر مفرغی کوتاهی با نوار برجسته در وسط تیغه و دو نوار در دو سوی نوار به طول ۵۴ سانتی‌متر و پلاک مدوری از جنس گل سفید (فریت) لعابدار با نقش گل رزاس شکسته به قطر ۹/۶ سانتی‌متر به دست آمده است (حاکمی، ۱۳۴۷).

- گور ۲

فهرست یافته‌های ترانسه ۱۷ از داغ‌داغان کلورز در سال ۱۳۴۴ نشان می‌دهد که از گور اسب، کوزه سفالی سیاه‌رنگی با بانده کروی و گردن استوانه‌ای شکل که آبریزی تا انتهای کوزه به شکل لوله کشیده شده و برجستگی آن روی کوزه نیز دیده می‌شود که شکسته و ناقص است. کاسه سفالی قرمز رنگ با دسته و آبریز پهن و نوارهای تزئینی در دو سوی کاسه و زیر لوله و دسته همراه با دو دکمه در انتهای نوارها به چشم می‌خورد که البته شکسته و ناقص است. اندازه این کاسه ۸ در ۱۲/۱ سانتی‌متر است. کوزه سفالی قرمز رنگ با بنده کروی و گردن استوانه‌ای و دسته‌ای در یک سوی آن که با سه دکمه برجسته تزئین شده است. اندازه این سفال ۴/۲۰ در ۵/۵ سانتی‌متر است. کوزه سفالی قرمز رنگ با بنده مدور و دهانه لاله‌ای شکل با چهار نوار برجسته تراش‌دار و نقطه‌چین‌های فرورفته تزئین شده است. اندازه این کوزه ۱۹/۲ در ۹/۹ سانتی‌متر است. دو دهنه مفرغی اسب، دو شیرخوری قرمز رنگ، دو قوری سفالی قرمز رنگ همراه با لوله و دسته کوچکی به شکل دایره و دو حلقه مفرغی ساده به دست آمده است (حاکمی، ۱۳۴۷).

- گور ۳

فهرست یافته‌های ترانسه ۱۸ از داغ‌داغان کلورز در سال ۱۳۴۴ نشان می‌دهد که در این ترانسه ۵ اسب به صورت جدا جدا به خاک سپرده شده بودند. گور ۳-۱. گور نخست گورآوندهایی چون سه دکمه گرد زرین به قطر ۲ سانتی‌متر، صفحه بزرگ دایره‌ای زرین که پنج دایره متحد‌المركز روی آن وجود دارد و پیرامونش دایره‌هایی نیز دیده می‌شود. قطر این صفحه ۷ سانتی‌متر است. دهنه مفرغی اسب با دو بازوی نقره به طول ۱۶ سانتی‌متر، ۱۶ زنگوله مفرغی مشبک، ۷ عدد صفحه گرد مفرغی با گل رزاس، ۳ عدد آویزهای مفرغی گرد و نیز شماری مهرهای مفرغی استوانه‌ای و حلقه‌ای به دست آمده است (حاکمی، ۱۳۴۷).



تصویر ۱. صفحه زرین از ترائشه ۱۸ گور ۱ در کلورز با قطر ۷ سانتی متر (موزه ملی ایران)

گور ۲-۳ گور دوم دربردارنده یک دهنه مفرغی اسب به طول ۱۹/۸ سانتی متر، ۸ عدد تزئینات زین اسب، ۳ عدد میخ مفرغی مربوط به تزئینات زین اسب، شماری دکمه مفرغی، پلاک مفرغی مدور با حلقه درشت و برجستگی کوچکی در وسط آن و شماری قطعه شکسته مفرغی بود (حاکمی، ۱۳۴۷).

گور ۳-۳ گور سوم فقط دربردارنده اسکلت اسب بود (حاکمی، ۱۳۴۷).

گور ۴-۳ گور چهارم دربردارنده ۳ عدد تزئینات اسب به شکل آویز، پلاک مفرغی گرد مربوط به سر و سینه اسب، ۵ عدد تزئینات دایره‌ای شکل توخالی، دهنه اسب مفرغی، پلاک مربع مفرغی با کلاهک تخم‌مرغی شکل، ۱۴ عدد دکمه مفرغی مربوط به تزئینات سینه‌بند اسب و ۱۶ عدد دکمه مفرغی کوچک مربوط به تزئینات سینه‌بند اسب است (حاکمی، ۱۳۴۷).

گور ۵-۳ گور پنجم دربردارنده ۳ آویز مفرغی اسب، پلاک مفرغی مربوط به تزئین سینه‌بند اسب، دهنه مفرغی و آهنی اسب، دو عدد پلاک گرد آهنی، ۴ عدد پلاک مفرغی مربوط به تزئین اسب، پلاک مربع مفرغی، میله‌های مفرغی، دکمه‌های مفرغی و مهره‌های مفرغی گرد و استوانه‌ای و فنری شکل است (حاکمی، ۱۳۴۷).

- گور ۴

فهرست یافته‌های ترانسه ۲۱ از داغ‌داغان کلورز در سال ۱۳۴۴ نشان می‌دهد که در گور اسب، دهنه اسب به طول ۲۱/۸ سانتی‌متر، صفحه مدور مفرغی با سه برجستگی مدور و ۲۰ عدد دکمه مفرغی مخروطی شکل وجود داشته است (حاکمی، ۱۳۴۷).

- گور ۵

فهرست یافته‌های ترانسه ۲۲ از داغ‌داغان کلورز در سال ۱۳۴۴ نشان می‌دهد که در گوری دو اسب با هم به خاک سپرده شده بودند و گوراوندهایی چون دو دهنه اسب، زنگوله مفرغی مشبک کف صاف، شماری دکمه تزئینی پروانه‌ای شکل مفرغی، ۴ عدد دکمه مفرغی مربوط به تزئینات اسب، ۴۵ عدد مهره‌های مفرغی دکمه‌ای شکل و یک عدد پلاک مفرغی ساده گرد به دست آمده است (حاکمی، ۱۳۴۷).

- گور ۶

فهرست یافته‌های کارگاه شماره ۲ از جلالیه کلورز در سال ۱۳۴۶ نشان می‌دهد که از گور اسب سه دهنه آهنی اسب، شی‌ای آهنی مربوط به زین اسب و پلاکی دایره‌ای شکل از جنس مفرغ مربوط به تزئین سر اسب، حلقه‌ای از جنس صدف دارای سوراخی در وسط به دست آمده است (حاکمی، ۱۳۴۷).

- گور ۷

فهرست یافته‌های کارگاه شماره ۳ از داغ‌داغان کلورز در سال ۱۳۴۶ نشان‌دهنده این است که از گور اسب، لیوانی دو بخشی که بخش فرازین زرین و بخش فرودین سیمین است که البته بخش فرودین از بین رفته است و فقط تکه‌هایی از آن باقی مانده است. روی بدنه بخش زرین نقش دو شیر ایستاده دیده می‌شود که پشت سر هم قرار دارند و حد فاصل این دو شیر نقش دو بز کوهی در حال جهش نقش شده است. پیرامون لبه و کف این لیوان نقوش تزئینی زنجیره‌ای دیده می‌شود. قطر این لیوان ۵/۱، ارتفاع آن ۷ و اندازه دهانه آن ۸/۵ سانتی‌متر است. ۸ عدد زنگوله مفرغی مجوف، یک عدد دهنه مفرغی اسب، ظرف مکعب مستطیل لعاب‌دار با چهار پایه کوتاه و دو دسته مستطیل شکل، یک رشته گردنبند نازک از مهره عقیق و سنگی با یا آویز مدور عقیق، ۳۹ قطعه ورقه‌های نازک طلا به صورت کوچک و بزرگ مربوط به تزئینات لباس، ۳۵ عدد تزئینات اسب با دهنه به صورت دو دایره چسبیده به هم و ۸۴ عدد تزئینات اسب و دهنه مرکب از دکمه‌های ریز و درشت مفرغی یافت شده است (حاکمی، ۱۳۴۷).



تصویر ۲. جام زرین و سیمین از گور ۷ در داغداغان کلورز (موزه ملی ایران)

- گور ۸

در سال ۱۳۴۷ در کلورز کاوش‌ها ادامه یافت که در کارگاه شماره ۲ از گوری اسکلت اسب یافت شد.

گور ۸-۱. در گور نخست، یک کارد مفرغی با دسته میله‌ای و شیارهای برجسته بر دو روی تیغه آن به طول ۲۳ سانتی‌متر، یک عدد دهنه مفرغی اسب، یک عدد ظرف سفالی خاکستری‌رنگ با بدنه مدور و دهانه قیفی شکل و دسته کوچک، یک عدد پلاک بزرگ مدور که وسط آن آهن و دور آن مفرغ است که در وسط پلاک یک برجستگی به شکل پرنده دیده می‌شود، چهار عدد پلاک مفرغی گرد مربوط به تزئین سر اسب به قطر ۶

سانتی متر، یک عدد پلاک مدور زرین با یک برجستگی مدور در وسط و ۸ برجستگی کوچک بر گرد آن به قطر ۴/۴ سانتی متر به دست آمد (حاکمی، ۱۳۴۷).

گور ۸-۲. در گور دوم که اسکلت اسب در آن بود یک عدد زنگ مفرغی مشبک مرکب از سه زنگ کوچک متصل به هم به طول ۷ سانتی متر، دو عدد دهانه مفرغی اسب به طول ۲۱/۵ و ۲۴ سانتی متر، یک عدد کوزه سفالی سیاه رنگ با دهانه قیفی شکل و کف صاف با دسته کوچک در اندازه ۱۵ در ۴/۵ سانتی متر، شماری پلاک مفرغی و دکمه مدور مفرغی مربوط به اسب، شش ظرف خاکستری کوچک که روی حلقه مجوفی نصب شده اند و در جلو به آبریز بلند منتهی می شود. این شش ظرف و حلقه مجوف با هم در ارتباط هستند و روی سه پایه چرخ دار نصب شده است. قطر دهانه ۵ سانتی متر، ۱۷/۵ سانتی متر ارتفاع و ۳۴ سانتی متر طول دارد. یک رشته گردنبند با مهره های خمیر شیشه و خمیر لاجورد و یک رشته گردنبند مرکب از مهره های خمیر لاجورد یافت شد (حاکمی، ۱۳۴۷).

۴. خاکسپاری های جوین

جوین یکی از روستاهای دامنه غربی دره سپیدرود است که در فاصله چهار کیلومتری جنوب کلورز قرار دارد. این روستا مانند کلورز تا رشت ۵۴ و تا رودبار ۱۲ کیلومتر فاصله دارد. گروه باستان شناسی رودبار گیلان از اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ تا نیمه تابستان سال ۱۳۴۴ در یک فصل به مدت سه ماه در جوین به کاوش باستان شناسی پرداخت (حاکمی ۱۳۹۶: ۲۱۰-۲۱۱) حاکمی در محوطه جوین نیز گورهای یافته است که انسان همراه با اسب به خاک سپرده شده بودند که البته وی به تعداد گورهای جوین اشاره نمی کند و فقط چنین بیان می کند که کلورز در همسنگی با جوین از دید گورآوندها غنی تر بوده است (حاکمی، ۱۳۴۷).

جدول ۱. جزئیات گورها و ترانسه ها

سال	شماره ترانسه	شماره گور	شمار اسبها	مکان
۱۳۴۴	۹	۱	۱	گنج پر
۱۳۴۴	۱۷	۲	۱	داغ داغان
۱۳۴۴	۱۸	۳	۵	داغ داغان
۱۳۴۴	۲۱	۷	۱	داغ داغان
۱۳۴۴	۲۲	۵	۲	داغ داغان

بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم ... (شاهین آریامنش و سیدمهدی موسوی) ۱۳

جلالیه	۱	۶	۲	۱۳۴۶
داغ‌داغان	۱	۷	۳	۱۳۴۶
کلورز	۲	۸	۲	۱۳۴۷

۵. گورآوندهای خاکسپاری

حاکمی در گزارش خود به نوع گورهایی که خاکسپاری های انسان همراه با اسب یافته شده و نیز اندازه گورها اشاره ای نمی کند باین حال چنین بیان می کند که در کنار برخی از گورهای انسان، گور حیواناتی از قبیل اسب و گراز و سگ های شکاری پیدا شد و بعضی اوقات تعداد اسب های قربانی شده به سه رأس هم رسیده است (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۰). حاکمی درباره چگونگی خاکسپاری ادامه می دهد که قبور اسبان با فاصله کمی از قبر انسان قرار داشت و غالباً آنها را با لوازم و تزیینات دفن می کردند. اسکلت اسبان در جهت مخصوصی قرار نمی گرفت و به طور دلخواه در قبر گذارده می شد. در این محل جسد اسب های قربانی شده را در سمت شمال گورهای سنگچین صاحبان آنها دفن می کردند (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۱). در گورهای اسب قربانی شده مکشوف در کلورز به نسبت اهمیت فرد متوفی از یک تا سه اسب قربانی شده بود. همچنین در دو گور اسکلت انسان هم در زیر پای اسب ها قرار داده بودند (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۱). گورهای مربوطه دربردارنده گورآوندهایی نیز بودند که حاکمی چنین بیان می کند که وسایلی که در کنار اسکلت این حیوان پیدا شده غالباً از جنس مفرغ بوده و گاهی تزیینات طلا و نقره همراه آنها بوده است. (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۱-۵۳) اشیاء مکشوفه از مقابر اسبان شامل دهنه های مختلف مفرغی و آهنی و صفحات مدور مفرغی که روی چرم دوخته می شد؛ و پیشانی بند و قسمت هایی از زین اسب و گردن بندهای مختلف از جنس مفرغ یا نقره مخلوط با دکمه صدف یا سنگی بوده است؛ تعداد زیادی زنگوله مفرغ به اندازه مختلف پیدا شده است. همچنین تعداد تزیینات از جنس طلا و نقره به شکل دکمه یا صفحات مدور نقش دار یا بی نقش در کنار اسکلت اسب ها پیدا شده و در بین دهنه ها، دهنه نقره ای با مفصل مفرغی کشف شد که برای اولین بار در این ناحیه به دست آمده است (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۱).

گورآوندهایی که در گور اسب ها پیدا شده همگی در ارتباط با اسب بوده و شامل دهنه های مختلف اسب از جنس مفرغ، آهن و نقره؛ زنگوله مفرغی با حجم و اشکال گوناگون و مشبک؛ صفحات گرد ساده و نقش دار کوچک و بزرگ که برای تزیین سر اسب

روی نوارهای چرمی نصب می‌کردند؛ سینه‌بند مربعی شکل با حباب‌های برجسته و آویزهای بیضی شکل را حلقه‌های مدور که به چرم سینه‌بند آویخته می‌شد. شیء مفرغی به شکل میله پهن که در وسط خمیدگی قوسی شکل آن به دو دنباله موازی ختم می‌شود. این فلز خمیده، اسکلت داخلی زین بود که روی آن با وسایلی از قبیل نمد و چوب طبق معمول زین اصلی را می‌ساختند (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۱). همچنین در یافته‌های این گورها گردنبند جالبی پیدا شده که شکارگاهی را نشان می‌دهد. این گردن‌بند اسب که به شکل گردن حیوان و شبیه خاموت ساخته شده از سه میله مفرغی موازی تشکیل شده که در بالای آن با یک ردیف پرنده در حال پرواز مزین است. روی سه میله گلابی شکل آن صحنه شکارگاهی را نشان می‌دهد. روی میله وسطی آهن دو گردونه با شکارچی نصب شده است. روی میله‌های مجزا، مجسمه‌های کوچک گوزن، روباه و سگ در حال حرکت دیده می‌شود (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۱).

تعداد تزیینات از جنس زر و سیم به شکل دکمه یا صفحات مدور نقش‌دار یا بی‌نقش در کنار اسکلت اسب‌ها پیدا شده و در بین دهنه‌ها، دهنه سیمین با مفصل مفرغی کشف شده است. تعداد تزیینات از جنس زر و سیم به شکل دکمه یا صفحات مدور نقش‌دار یا بی‌نقش در کنار اسکلت اسب‌ها پیدا شده است.

خاکسپاری‌های نوع سکایی در فرارودان و قفقاز و سیبری که از کاوش‌های باستان‌شناسان به دست آمده بسیار زیاد است که می‌توان به محوطه پازیریک (Pazyryk) (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Rudenko, 1970)، محوطه آمورلیک (Aymyrlyg) در تووا (Tova) (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Murphy, 2000)، محوطه کاتاندا (Katanda) در آلتایی (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Minns, 2003)، محوطه وارنا (Varna) در جنوب اورال (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Tairov & Botalov, 1988). در اروپا نیز محوطه‌های چندی همچون چرتوملیک (Chertomlyk) اکراین (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Artamonov, 1966)، محوطه سولوخا (Solokha) (برای آگاهی بیشتر Rostovtzeff & Hon, 1969)، محوطه نئاپولیس (Neapolis) در کریمه روسیه (برای آگاهی بیشتر Dashevskaa, 1978) مربوط به خاکسپاری‌های این تیره است. در ایران محوطه‌های بسیاری از خاکسپاری‌های این تیره یافت نشده است. محوطه زیویه یکی از محوطه‌هایی است که درباره چندی و چونی آن و ارتباطش با سکاها تردید وجود دارد و دیدگاه‌های گوناگونی درباره گورآوندهای یافت‌شده از آن بیان شده است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به موچشی، ۱۳۸۸). با این حال محوطه

خرم‌آباد مشکین‌شهر (بنگرید به رضالو و ایرملو، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴) از محوطه‌های سکایی است که یافته‌های قابل اطمینانی از این تیره دارد. در همسنجی محوطه کلورز و جوین رودبار گیلان با محوطه خرم‌آباد و دیگر محوطه‌های سکایی افزون بر خاکسپاری‌هایی اسب، می‌توان به گورآوندها اشاره کرد.

آویزهای مفرغی یافت‌شده از کلورز و جوین را می‌توان با آویزهای خرم‌آباد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به رضالو و ایرملو ۱۳۹۴: تصویر ۱۵ و ۱۶)، تاسمولا (Tasmola) در قزاقستان (Yablonesky, 1995: fig. 11) و فرهنگ کوبان-کلخیس (Kuban-Kolchian) در غرب و شرق گرجستان و فرهنگ گنجه-قراباغ (Karabakh-Ganja) جمهوری آذربایجان سنجید (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Curtis and Kruszynski, 2002: Fig. 36: 147-148; fig. 37: 150). آویزهای پرنده‌سان را نیز می‌توان با فرهنگ کوبان-کلخیس در غرب و شرق گرجستان و فرهنگ گنجه-قراباغ جمهوری آذربایجان سنجید (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Curtis and Kruszynski, 2002: Fig. 33: 141-143; fig. 34: 144) مقایسه کرد.

برخی از آرایه‌های کلورز را می‌توان با یافته‌های گورهای منطقه کوبان (Kuban) در شمال غرب قفقاز سنجید. برای نمونه آرایه‌ای که بر فراز آن پرنده‌ای قرار گرفته است را می‌توان با آرایه ساخته‌شده از مفرغ سنجید که از روستای ماخوش و سکایا در منطقه کوبان یافت شده است با این تفاوت که بر فراز آن گوزنی قرار گرفته است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Chugunov et al, 2017: 254, fig 177) و یا با آرایه یافت‌شده از کلرمس (Kelemes) سنجید که بر فراز آن نقش گریفینی وجود دارد (بنگرید به Chugunov et al, 2017: 254, fig 178). کاربرد اصلی این آرایه‌ها که از یافته‌های معمول منسوب به سکاهاست، به روشنی دانسته نیست با این حال روشن است که این آرایه‌ها در آیین خاکسپاری نقش داشته است و به احتمال به اسبها و گردونه‌ها چسبانده می‌شده است (Chugunov, et al. 2017: 254).

جام زرین دهانه باز و کمر باریک با نقوش برجسته شیر، گوزن، بز کوهی و پرنده‌گانی در حال پرواز که در دو ردیف قالب‌گیری شده است نیز از محوطه کلورز به دست آمده است که در ردیف بالا شیرهایی در حال شکار بز کوهی و پرنده دیده می‌شوند و در پایین یک ردیف گوزن در حال حرکت نقش شده است. حاکمی این جام را با ساغر مارلیک و یافته‌های زرین در پازیریک در دامنه کوهستان آلتایی سنجیده است (حاکمی، ۱۳۹۶: ۵۲).



تصویر ۳. جام زرین کلورز (بایگانی علی حاکمی)

برخی از پیکرک‌های یافت‌شده در کلورز و چوبن همچون گوزن را می‌توان با پیکرک‌های مجموعه شاهزاده نوروژ در روستای باسکان (Baskan) بالا در نزدیکی کوه البروس در قفقاز روسیه سنجید که جزیی از فرهنگ کوبان قلمداد شده‌اند (برای آگاهی بیشتر بنگرید به Curtis and Kruszynski, 2002: Fig. 18: 107). همچنین پیکرک اسب و سوارکاری که در وسط زین نشسته و شمشیری بر کمر دارد و با دو دست قبضه و غلاف آن را گرفته است، شباهت‌هایی با یافته‌های حوضه مینوسینسک (Minusinsk) در آلتایی دارد (Bokovenko, 1995: fig. 21). پیکرک‌های گوزن و نیز خاکسپاری‌های جانوران دیگری همچون سگ مشابه محوطه خرم‌آباد مشکین‌شهر و گراز نشان‌دهنده فرهنگ سکایی است.

بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم ... (شاهین آریامنش و سیدمهدی موسوی) ۱۷

پیکان‌های مفرغی کلورز و جوین را نیز می‌توان با محوطه خرم‌آباد مشکین‌شهر (برای آگاهی بیشتر بنگرید به رضالو و ایرملو ۱۳۹۴: تصویر ۸) و گوشواره‌های زرین را با آلتایی (Bokovenko, 1995: fig. 10) مقایسه کرد.

محوطه باستانی کلورز و جوین را می‌توان با محوطه مارلیک گیلان نیز سنجید. نخست خاکسپاری‌های اسب را بررسی می‌کنیم. محوطه مارلیک با وجود گورهای فراوان انسان، از دید گور اسب بسیار تنک‌مایه است چنانکه در این محوطه فقط ۳ گور اسب با شماره‌های ۴۹، ۵۱ و ۵۳ یافت شد که در آنها نیز یافته‌های ارزنده‌ای از اسب وجود نداشت. عزت‌الله نگهبان کاوشگر مارلیک چنین بیان کرده که فقط بخش‌هایی از پیکر اسب را درون گور گذاشته بودند چنانکه این ۳ گور دربردارنده استخوان‌های گردن اسب، دندان‌های اسب، دهانه اسب و حلقه‌های مفرغی بوده است (نگهبان، ۱۳۷۸: ۱۳۳). این در حالی است که در کلورز و جوین چندین گور اسب به صورت کامل همراه با یافته‌هایی ارزنده آشکار شده است.

پیشینه یافته‌های کلورز و جوین را نیز می‌توان با یافته‌های محوطه مارلیک سنجید. برای نمونه جام زرین کلورز و نیز جام زرین و سیمین کلورز را که روی آنها نقش گوزن‌های طراحی شده است را می‌توان با برخی از ظروف مارلیک مقایسه کرد همچون جام سیمین شماره 546M با نقش گوزنی در حال جهش (بنگرید به نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر ۹۱)، جام مفرغی شماره 1185M با نقش گوزن ایستاده (بنگرید به نگهبان ۱۳۷۸: تصویر ۱۱۲)، جام مفرغی 1213M با نقش گوزن آرمیده (بنگرید به نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر ۱۱۳)، جام مفرغی 1213M الف، با نقش سه گوزن که پشت سر یکدیگر در حال حرکت هستند (بنگرید به نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر ۱۱۵). پیکرک‌های مفرغی گوزن‌های یافت‌شده در کلورز را می‌توان با پیکرک‌های مفرغی گوزن در مارلیک سنجید (بنگرید به نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر ۲۰۸ تا ۲۱۱). همچنین پیکرک سفالی گوزن‌های کلورز قابل همسنجی با پیکرک‌های سفالی گوزن در مارلیک است (بنگرید به نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر ۱۷۰). پیکرک‌های سفالی گاوهای کوهاندار همتای گاوهای کوهاندار مارلیک هستند (برای آگاهی بیشتر بنگرید به نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱ و ۱۶۵).

شماری پیکرک انسانی نیز در کلورز یافت شده است. پیکرک سوارکار کلورز را می‌توان تا حدودی با پیکرک سوارکار در مارلیک سنجید (نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر ۱۴۸). پیکرک

سفالی مردان در کلورز درحالی که سفالینه‌ای را به دست گرفته‌اند قابل همسنجی با برخی از پیکرک‌های سفالی مردان در مارلیک است (بنگرید به نگهبان، ۱۳۷۸: تصویر ۱۳۴ تا ۱۳۷).

روشن کردن سبک هنری گورآوندهای محوطه رودبار و جوبن کاری بس دشوار است. پایین‌حال یافت‌شدن خاکسپاری اسب در این محوطه‌ها گمانه‌زنی درباره آنها را آسان‌تر می‌کند چرا که الگوهای خاکسپاری را می‌توان در زمینه مطالعه تمایزات قومی، روابط خویشاوندی و الگوهای استقرار استفاده کرد (Chase, 1996: 110) می‌دانیم که کورگان‌ها به‌عنوان ویژگی قلمرو سرزمینی یک تیره خاصی کاربرد داشته است و اعضای یک تیره در گورستان‌های قلمرو آن تیره به خاک سپرده می‌شدند (Polosmak, 1994: 9-10) بنابراین افزون بر یافته‌های زرین و سیمین و مفرغین و سفالینی که رنگ و بوی سکایی دارند، خاکسپاری‌های اسب یافت‌شده در محوطه کلورز و جوبن را می‌توان به این تیره بازخواند.

اگرچه در محوطه مارلیک فقط در ۳ گور بخش‌هایی از بدن اسب به دست آمده، برخی از پژوهشگران همچون کوروچکین گورآوندهای مارلیک همچون ارابه‌های کوچک و جنگ‌افزارها را نشانه ارزنده و مهمی از تغییر جمعیتی در ایران در اوایل هزاره اول پیش‌ازمیلاد دانسته‌اند و آنها را با متن‌های وداها در ارتباط دانسته است (Kurochkin, 1993: 57 cited by Potts, 2014). ریچارد فرای نیز قربانی اسب را با وداها در ارتباط دانسته است و آن را نماد یا تجسم ایزدان گوناگون همچون تیشتر دانسته است (فرای، ۱۳۸۶: ۹۳). النا کزمینا نیز با پیوند برقرار کردن بین یافته‌های دین‌خواه تپه، باباجان، حسنلو و مارلیک، آنها را با کوچ مردمانی دارای اسب از استپ به سوی جنوب در ارتباط دانسته است، اما وی این محوطه‌ها را به سکاها مرتبط نمی‌داند بلکه آنها را در پیوند با ایرانیانی می‌داند که از استپ و از طریق قفقاز به ایران امروزی وارد شده‌اند (Kuz'mina, 2007: 374-376). پایین‌حال نگارندگان بر خاکسپاری اسب تأکید بسیاری می‌کنند. اسب نزد هندی ایرانیان جایگاهی بس ارزنده‌ای داشته است و آن را برای برآورده شدن نیازهایشان قربانی می‌کردند (موسوی و آریامنش، ۱۳۹۸).

۶. نتیجه‌گیری

کتیبه‌های آشوری و نیز متن‌های تاریخی همچون نوشته‌های هرودوت به سکاها اشاره‌هایی داشته‌اند. دیدگاه‌های گوناگونی نیز درباره آمدن سکاها به بخش‌های از ایران در هزاره یکم پم بیان شده است چنانکه برخی آمدن سکایان را به ایران از راه دربند به قفقاز می‌دانند و

کسی همچون فاگل سانگ بر این باور است که آمدن سکایان به ایران نه از راه قفقاز بلکه از شمال شرقی ایران بوده است، باین حال پژوهش‌های تاریخی از حضور سکایان در هزاره یکم پم در ایران سخن می‌گوید. اما از دید باستان‌شناسی نیز یافته‌های از سکایان هرچند اندک در ایران به‌دست آمده است، باین حال شماری از محوطه‌ها همچون زیویه و خرم‌آباد مشکین شهر در شمال غرب ایران یافته‌هایی از حضور آنان در ایران دارند که این یافته‌ها شامل گورآوندهایی از نوع سکایی است. همچنین یافت شدن شماری خاکسپاری اسب در این محوطه‌ها به‌ویژه در خرم‌آباد مشکین شهر که از ویژگی‌های ارزنده و بسیار مهم فرهنگ سکایی قلمداد شده است مهر تأییدی بر متن‌های تاریخی است. چنانکه اشاره شد برخی از پژوهشگران همچون کوروچکین و ریچارد فرای و النا کزمینا و موسوی و آریامنش بر نقش اسب و خاکسپاری اسب در میان هندی‌ایرانیان تأکید بسیاری می‌کنند. اما باید توجه داشت که خاکسپاری انسان همراه با اسب از ویژگی‌های فرهنگی تیره سکایی است بنابراین چنین ویژگی مهمی خود بیانگر سکایی بودن این گورهاست و شاید بتوان این خاکسپاری‌ها را در ارتباط با ایرانیانی که پیشتر کوچیده بودند در نظر گرفت. نگارندگان برخلاف کزمینا، بر این باور هستند که یافته‌های محوطه کلورز و رودبار در کنار یافته‌های محوطه خرم‌آباد مشکین شهر قرار می‌گیرد و همسنجی خاکسپاری‌های اسب در کنار انسان در بافت منطقه‌ای تحلیل می‌شود و تأییدی بر کتیبه‌های شاهان آشوری همچون اسرحدون و نوشته‌های هرودوت است که از سکایان و جنگ و گریزهای آنان یاد کرده‌اند. همچنین شباهت‌های برخی از یافته‌های کلورز و جوین با یافته‌های نوع سکایی همچون خرم‌آباد مشکین شهر، از حضور سکاها در این منطقه سخن می‌گوید. با توجه به اینکه الگوهای خاکسپاری را می‌توان در زمینه مطالعه تمایزات قومی، روابط خویشاوندی و الگوهای استقرار و نیز باورهای آیینی استفاده کرد و نظر به اینکه کورگان‌ها یا گورهایی با اشیایی به سبک سکایی به عنوان ویژگی قلمرو سرزمینی یک تیره خاصی کاربرد داشته است و اعضای یک تیره در گورستان‌های قلمرو آن تیره به خاک سپرده می‌شدند، یافته‌های محوطه‌های کلورز و جوین نیز که دربردارنده گورآوندهای گوناگون به سبک و شیوه سکایی و البته با تأثیرپذیری از سبک بومی است و نیز خاکسپاری اسب که از نوع سکایی است نشان‌دهنده حضور تیره سکایی یا فرمانروایانی از این تیره در نزدیکی کرانه‌های دریای کاسپی است که به سبک و سیاق و باورهای نیاکانشان به خاکسپاری مردگان خود دست زده‌اند.



تصویر ۴. خاکسپاری اسبها در کنار یکدیگر در کلورز (بایگانی حاکمی)



تصویر ۵. گردنبند مفرغی اسب یافت شده از کلورز (بایگانی حاکمی)

بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم ... (شاهین آریامنش و سیدمهدی موسوی) ۲۱



تصویر ۶. آویزهای با سر دو اسب و یک پرنده یافت شده از کلورز (موزه ملی ایران)



تصویر ۷. آرایه اسب یافت شده از کلورز (موزه ملی ایران)



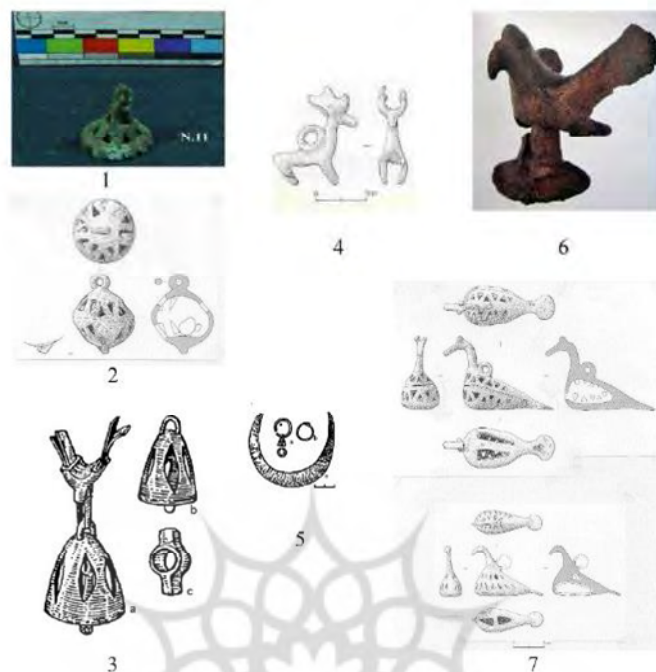
تصویر ۸. پیکرک مجوف مرغ مفرغی یافت شده از جوبن (موزه ملی ایران)



۲۳ بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم ... (شاهین آریامنش و سیدمهدی موسوی)



تصویر ۹. پراکنش محوطه‌های سکایی در ایران و قفقاز و جانمایی دو محوطه مهم رودبار و مشگین شهر (Alexeyev, 2017: 19، با تغییرات)



تصویر ۱۰. برخی از اشیاء مقایسه شده با کلورز و جوین، ۱. آویزهای مفرغی محوطه خرم‌آباد مشگین‌شهر (رضالو آیرملو، ۱۳۹۴: تصویر ۱۵)، ۲. آویزی از فرهنگ قره‌باغ-گنجه در جمهوری آذربایجان (Curtis and Kruszynski 2002: Fig. 36: 147)، ۳. آویز مفرغی از محوطه تاسمولای قزاقستان (Yablonsky 1995: fig. 11)، ۴. آویز مفرغی از روستای باسکان علیا (Curtis and Kruszynski 2002: Fig. 18: 107)، ۵. گوشواره‌های زرین از آلتایی (Bokovenko 1995: fig. 10)، ۶. آویز پرنده‌ای از محوطه‌ای در شمال قزاقستان (Korolkova, 2017: fig 221)، ۷. آویز پرنده‌ای از فرهنگ کوبان-کلخیس در گرجستان (Curtis and Kruszynski 2002: Fig. 33: 141-143; fig. 34: 144; Plate 11a and 11b)

شیوه ارجاع به این مقاله

آریامنش، شاهین و سیدمهدی موسوی (۱۳۹۹)، «بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم پیش از میلاد براساس شواهد باستان‌شناختی و منابع تاریخی»، دوفصل‌نامه علمی-پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۱۰، ش ۱.

کتابنامه

حاکمی، علی، (۱۳۴۷)، گزارش بررسی‌ها و کاوش‌های رودبار گیلان، مرکز اسناد میراث فرهنگی و گردشگری (منتشر نشده).

حاکمی، علی (۱۳۴۷). اشیاء فلزی مکشوفه در کلورز گیلان، یادنامه پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران، تهران، اصفهان، شیراز، ۲۲ تا ۲۹ فروردین ۱۳۴۷، جلد اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر: ۲-۱۶.

حاکمی، علی (۱۳۹۶). گزارش کاوش‌های رودبار گیلان، ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ خورشیدی، به‌کوشش شاهین آریامنش، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۸۶). تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

رضالو، رضا و یحیی آیرملو (۱۳۹۳). آیین تدفین اسب در میان اقوام سکایی، مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر، جامعه‌شناسی تاریخی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳: دوره ۶، شماره ۳: ۱۱۳-۱۴۴.

رضالو، رضا و یحیی آیرملو (۱۳۹۴). شواهد باستان‌شناختی جدید از حضور تاریخی اقوام سکایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۲۸: ۱۷-۳۲.

رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبان‌های ایرانی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۶). تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی

گروسه، رنه (۱۳۶۵). امپراطوری صحرائوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: علمی و فرهنگی
موجشی، امیرسعد (۱۳۸۸). ارزیابی مجدد گاهنگاری آثار زیویه، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۴۱.

موسوی، سیدمهدی و شاهین آریامنش (۱۳۹۸). اسبان ورجاوند، تطور ارجمندی اسب نزد هندی‌ایرانیان، پیش و از پس مهاجرت، تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸: ۲۹۷-۳۱۹.

نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۸). حفاری‌های مارلیک (۱)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Artamonov, M, (1966), Sokrovishcha Skifskikh Kuganov Sobranii Gosudarstvennogo Ermitazha-Pragu-Lenin grad from Great Soviet Encyclopedia, Vol.29, 1982.

Bailey, H.W., (2009), Indo-scythian Studies Being Khotanese Texts, Cambridge University Press.

Barnett, R.D, (1956), the treasure of Ziwie, Iraq, vol.18, pp: 111-118.

Bokovenko, Nikolai, A, (1995), Scythian Culture in the Altai Mountains, in Nomads of the Erusian Steppes in the Early Iron Age, Edited by Davis-Kimball, Vladimir A. Bashiloy and Leonid T Yablonsky, Ziant Press, Berkeley, C, Pp:299-314.

- Chase, D. Z. (1996), Burial and Tombs, in *The Oxford Companion to Archaeology*, B.M, Fagan (ed.). New York & Oxford University Press, Pp: 109-110.
- Chugunov, K. V and T. V. Rjabkova and St J. Simpson, (2017), Mounted Warriors, in *Scythians Warriors of ancient Siberia*, edited by Simpson St John and Svetlana Pankova, Thames & Hudson, 193-255.
- Cunliffe, Barry, (2019), *The Scythians: Nomad Warriors of the Steppe*, Oxford University Press.
- Curtis, J. & Kruszyński, M., (2002). *Ancient Caucasian and Related Material in the British Museum* - British Museum Research Publication No. 121.
- Curtis, John and Mirosław Kruszyński, (2002), *Ancient Caucasian and Related Material in the British Museum* - British Museum Research Publication No. 121.
- Curtis, John, Nigel Tallis, and Béatrice André-Salvini, (2005), *Forgotten Empire: the World of Ancient Persia*. Berkeley: University of California.
- Dashevskaya, O.D., (1978), "Neapolis", in *Great Soviet Encyclopedia*, A.M Prokhorva (ed.), Vol.17, New York: Macmillan Inc. & London: Collier Macmillan Publishers.
- Dyson, R.H, 1964, *The city of the golden bowl: new excavations at Hasanlu, in Persian Azerbaijan*. The Illustrated London News 12th September 1964: 372-4.
- Godard, A, 1950, *Le Trésor de Ziwiye*, Publication du service archéologique, Iran.
- Goff, C, 1978, *Excavation at Baba Jan: The Pottery and Metal for Levels III and II, Iran*, Vol. XVI. pp 29-66.
- Helm, Peyton, R, 1981, Herodotus' Medikos Logos and Median History, *Iran*, Vol. 19 (1981): 85-90.
- Herodotus, (1928), *Herodotus, With an English Translation by A. D. Godley*. London Heinemann.
- Kantor, J. H, (1960), A fragment of a gold applique from Ziwiye and some remarks on the artistic traditions of Armenia and Iran during the early first millennium B.C, *JNES*, volume 19, pp. 1-14.
- Khazanov, A. (2015), "The Scythians and Their Neighbors," in *Nomads as Agents of Cultural Change*, eds., R. Amitai and M. Biran (Honolulu, 2015) 32-49.
- Kuz'mina, Elena E, (2007), *The Origin of the Indo-Iranians*, Edited by J.P. Mallory, BRILL.
- Luckenbill, D.D, (1927), *Ancient records of Assyria and Babylonia*, Vol. 2, Chicago.
- Mallory, J. P., (1990), *In search of the Indo-Europeans: Language, Archeology and Myth*, London.
- Minns, E.H., (2003), "Scythians", in J.Hastings (ed), *Encyclopedia of Religion and Ethics*, London & New York: T&T Clark.
- Murphy, E.J., (2000), "Mummification and Body Processing: Evidence from the Iron Age in southern Siberia", in *kurgans, Ritual sites, and Settlements: Eurasian Bronze and Iron Age*, Jeannine Davis-Kimbel et al (eds), Oxford: Archaeopress, pp.279-292.
- Polosmak, N. V, (1994), *Steregushchiye zoloto griphy*. Novosibirsk: Nauka, from Koryakova, L. Some Notes About material Culture of Eurasian Nomads, In *Kurgans, Ritual Sites, and*

بررسی حضور سکاها در رودبار گیلان در هزاره یکم ... (شاهین آریامنش و سیدمهدی موسوی) ۲۷

Settlements: Eurasian Bronze and Iron Age, Jeanine Davis-kimble et al (eds.), Oxford: Achaeopress, Pp: 13-18.

Porda, E, (1965), *The Art of Ancient Iran*, New York.

Potts D.T, (2014), *Nomadism in Iran: from antiquity to the modern era*. Oxford: Oxford University Press

Randa, Alexander, (1954), *Handbuch der Weltgeschichte*. vol. 1. Zürich: Otto Walker.

Rostovtzeff, M. & Hon.D. Lilt, (1969), *Iranians & Greeks in South Russia*, New York: Russell & Russell.

Rudenko, Sergei I, (1970), *Frozen Tombs of Siberia, the Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen*, translated and with a preface by M. W. Thompson, University of California Press, Berkeley and Los Angeles.

Sinha, S. N. and N. K. Basu, (1992), *The History of Marriage and prostitution (Vedas to Vatsyayana)*, New Delhi.

Tairov, A. D., & S G. Botalov. (1988). Kurgan u sela Varna. In Zdanobich, G. (ed.) *Problemy arkheologiyi Uralo-Kazakhestskikh stepi*, Chelyabinsk: 100-125.

Vogelsang, W, (1992), *The Rise and Organization of Achaemenid Empire, The Eastern Iranian Evidence*, E. J. Brill, Leiden, New York, Koln.

Wilkinson C. K, (1975), *Ivories from Ziwiye*, Abegg-Stiftung Bern, Switzerland.

Yablonesky, L, T, (1995), The Material Culture of the Saka and Historical Reconstruction, in *Nomads of the Eurasian Steppe in the Early Iron Age* Kimball, Jeannine Davis-, Vladimir A. Bashilov, Leonid T. Yablonsky (eds.) early Iron Age, Zlnat Press Berkeley, CA: 200-239

